

## ۱۱۴ - نهي از عبادات و رياضات مُبتدعه و دعاوی باطله<sup>1</sup>

**در کلمات فردوسیة است قوله الاعلی:** کلمة الله در ورق دهم از فردوس اعلی، یا اهل ارض انزوا و رياضات شاقه بعزّ قبول فائز نه صاحبان بصر و خرد ناظرند به اسبابی که سبب روح و ریحان است امثال این امور از صلب ظنون و بطن اوهام ظاهر و متولّد، لایق اصحاب دانش نبوده و نیست بعضی از عباد از قبل و بعد در مغاره‌های جبال ساکن و بعضی در لیالی بقبور متوجّه بگو بشنوید نصیح مظلوم را از ما عندکم بگذرید و به آنچه ناصح امین میفرماید تمسّک جوئید لا تحرّموا انفسکم عما خُلق لکم.

**و در کتاب اقدس است قوله الاعلی:** من النَّاسِ مَنْ يَقَعُدُ صَفَّ النَّعَالِ طَلِباً لَصَدْرِ الْجَلالِ قَلْ مَنْ أَنْتَ يَا أَيُّهَا الْغافلُ الْغَرَّارُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَدَّعِي الْباطِنَ وَباطِنَ الْباطِنِ قَلْ يَا أَيُّهَا الْكُذَّابُ تَاللهِ مَا عِنْدَكَ أَنَّهُ مِنَ الْقَشُورِ تَرْكِنَاهَا لَكُمْ كَمَا تَتْرِكُ الْعِظَامَ لِلْکلابِ تَاللهِ الْحَقُّ لَوْ يَغْسِلُ أَحَدٌ أَرْجَلَ الْعَالِمِ وَيَعْبُدُ اللهَ عَلَى الْادْغَالِ وَالشَّوْاجِنِ وَالْجِبَالِ وَالْقَنانِ وَالشَّناخِيبِ وَعِنْدَ كُلِّ حَجْرٍ وَشَجَرٍ وَمَدْرٍ وَلا يَتَضَوِّعُ مِنْهُ عَرْفُ رِضائِي لَنْ يَقْبَلَ أَبداً هَذَا مَا حَكَمَ بِهِ مولى الْانامِ كَمُ مِنْ عَبْدٍ اعْتَزَلَ فِي جِزائِرِ الْهِنْدِ وَمَنَعَ عَنْ نَفْسِهِ مَا أَحَلَّهُ اللهُ لَهُ وَحَمَلَ الرِّياضاتِ وَالْمَشَقَّاتِ وَلَمْ يَذْكَرْ عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَ الْآياتِ... قَلْ رُوحَ الْأَعْمالِ هُوَ رِضائِي وَعُلُقُ كُلِّ شَيْئٍ بِقَبُولِي.

**در اثری و لوحی است قوله:** ای علی مشاهده در امور رسول الله نما که اول امر در کمال ترقّی و استعلاء بوده بعد توقّف نمود و یکی از اسباب مانعه آنکه نفوس برخاستند و بدعوی این که اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعة الهیه و مکان عزّ ربانیه ممنوع نموده‌اند قل تالله کلّ ظاهر اعلی من باطنیکم و کلّ قشر انور من لبیکم قد ترک المخلصون بواطنکم کما تُترکُ الْعِظامُ لِلْکلابِ این ایام احکام الهیه از مشرق ربانیه مشرق و انشاء الله از بعد ارسال میشود این دو آیه مبارکه در آن الواح اقدس نازل من النَّاسِ مَنْ يَقَعُدُ صَفَّ النَّعَالِ طَلِباً لَصَدْرِ الْجَلالِ قَلْ مَنْ أَنْتَ يَا أَيُّهَا الْغافلُ الْغَرَّارُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَدَّعِي الْباطِنَ قَلْ يَا أَيُّهَا الْكُذَّابُ تَاللهِ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْقَشُورِ تَرْكِنَاهَا لَكُمْ كَمَا تَتْرِكُ الْعِظَامَ لِلْکلابِ ملاحظه نمائید هر نفس از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی

<sup>1</sup> و فی حدیث: وصف المؤمن من یکره الرفعة و یسئنا السُّمعة. و ایضا فی الحدیث: ابی الله أَنْ یُعیدَ الْآ سراً. (مجمع البحرین) نقل الامام الرازی فی التفسیر الکبیر اتفاق المتکلمین علی أنّ من عبد الله و دعا لأجل الخوف عن العقاب او الطمّع فی الثواب لم یصحّ عبادته و دعائه ذکر ذلك عند قوله تعالی ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه و جزم فی اوائل تفسیر الفاتحة بانّه لو قصد اصل الثواب او لهرب من عقابه فسدت صلاته. فی الحدیث ابی الله ان یعبدَ الْآ سراً (کشکول شیخ بهائی) در قرآن مجید است قوله تعالی: قل من حزم زینة الله الّتی اخرج لعباده و الطّیبات من الرزق قل هن للذّین آمنوا فی الحیوة الدّنیة خالصة یوم القیامة. و قوله ابغ فیما آتاک الله الدّار الاخرة و لا تنس نصیبک من الدّنیة و فی الحدیث: لا رهبانیه فی الاسلام. و در روایت است که ابن عمر روزه دو روزه میگرفت و تمام شب را به روزه و مناجات میگذرانید و پیغمبر او را نهی نمود.

از بحر اعظم خارج نمود و به توهمات نفسانیّه و شؤونات هوائیّه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرّق ساخت قل یا ایها الموهوم انّ الباطن و باطن الباطن و باطن الّذی جعله الله مقدّساً عن الباطن و الظاهر الی مالا نهیة لها یطوف حول هذا الظاهر الّذی ینطق الحق فی قطب العالم قد ظهر اسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحد مفرّ و لا مستقرّ الا من تمسک بهذه العروة النّوراء الّتی بها اشرفت الارض و السّماء و لاح العرش و الثری و اضاء ملکوت الانشاء و انار الافق الاعلی اتّقوا یا قوم و لا تتّبّعوا اهواء الّذین اتّبّعوا الهوی و لا اوهام الّذین قاموا علی المکر فی ملکوت الانشاء توجّهوا بوجه بیضاء و غرر غرّاء الی مطلع آیات ربّکم مالک الاخرة و الاولی كذلك قضی الامر فی لوح الّذی جعله الله امّ الالواح و مصباح الفلاح بین السّموات و الارضین ای علی تفریق امت سبب و علّت ضعف کلّ شد و لکن النّاس اکثر هم لا یفقهون بعضی از ناس که ادّعی شوق و جذب و شعف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السلام میرفتند در تکیه قادریّه ملاحظه مینمودند و متنّبّه میشدند . ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحق که مشاهده شد نفسی از آن نفوس زیاده از ربع ساعات مقعد خود را به حجر و مدر و جدار میزند که بیم هلاک بود و بعد منصعقاً بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداً شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند انّ الله بریئی منهم و نحن برآء انّ ربّک لهو العلیم الخبیر و همچنین جمعی هستند به رفائی معروف اند و آن نفوس به قول خود در آتش میروند و در احیان جذبه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنی که ناظر چنین گمان مینماید که اعضای خود را قطع نمودند کلّ ذلک حیل مکرّ و خدع من عند انفسهم الا اّتهم من الاخسرین جمیع این امور برآی العین مشاهده شد اکثری از ناس دیده اند بسیار محبوب است که یکی از آن نفوس موهومه بان ارض توجه نماید و تکلیای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطررات نفسانیّه و توهمات انفس خادعه از شطر احدیه و مالک بریه ممنوع نشود جمعی در جزایر بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده اند و با وحوش انس گرفته اند و لیالی و ایام به ریاضات شاقّه مشغول اند و به اذکار ناطق معدلک احدی از آن نفوس عند الله مذکور نه مع آنکه خود را از اقطاب و ادباء و اوتاد و افراد ارض میشمردند و الیوم رداء افعال و اکلیل اعمال ذکر اعظم در ظاهر و باطن بوده اّنه لکلمة الّتی بها فصل بین کلّ حزب و نسف کلّ جبل و سقط کلّ نجم و کسف کلّ شمس و خسف کلّ قمر و انفطر کلّ سماء و انشق کلّ ارض و غیض کلّ بحر و ارتعد کلّ فتنه و انقعر کلّ جذع و اضطرب کلّ هضب و ارتعش کلّ بطح الا من شاء ربّک المقدر القدر من اقرّ بما اقرّه الله و اعترف بما اعترفه الله اّنه من اهل البهاء فی ملکوت الانشاء كذلك نزل من افق الوحی امر ربّک المبرم العزیز الحکیم .

